

بسم الله

۲۵۵۱

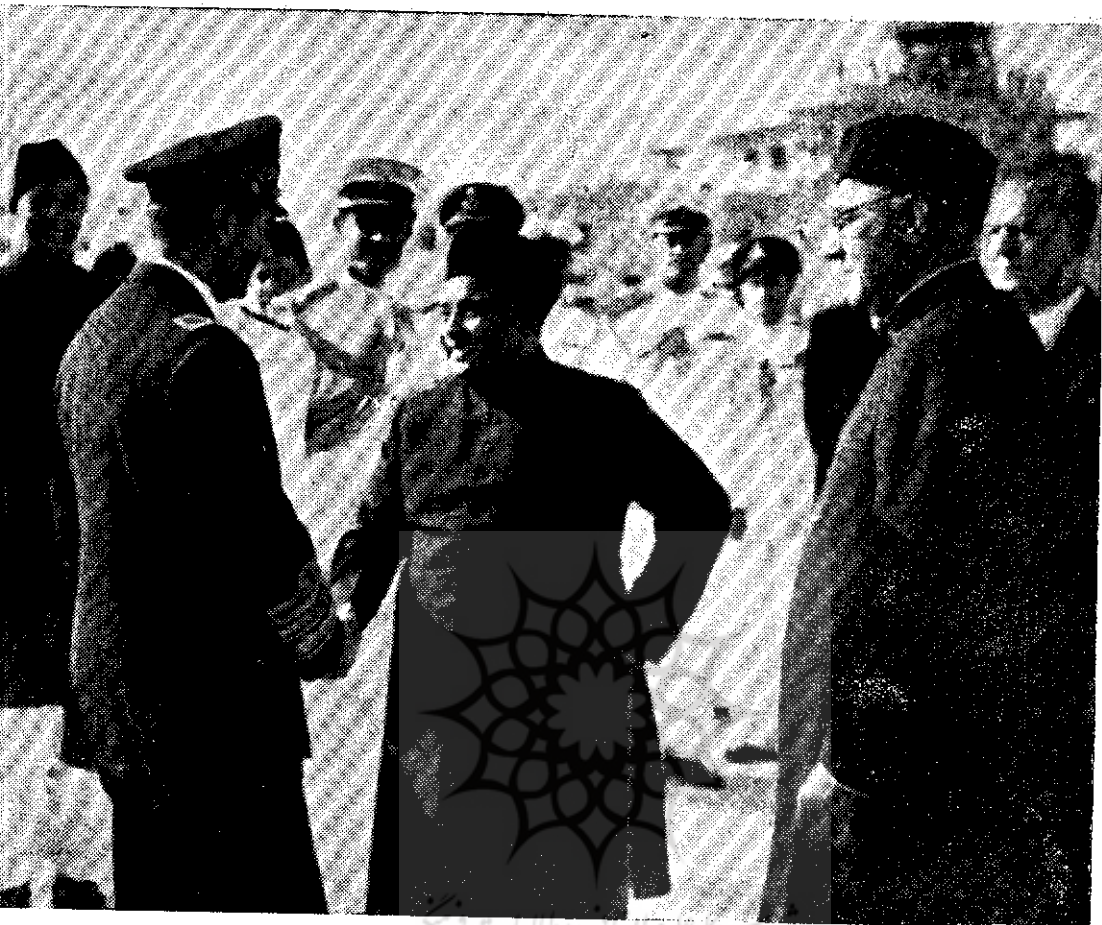
روزنامه کی نیوز در روز یکشنبه ۱۳۲۸  
۹ روزه روزنامه  
موضوع

# دانش

سال اول - شماره دهم و یازدهم مربوط بدی و بهمن ۱۳۲۸ = فوریه ۱۹۴۹

## مهر شاهنشاه پاكستان

مسافرت اعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی پاكستان از وقایع مهم تاریخ ایران و کشور دوست وهم جوار وهم کیش ما پاكستان است که آغاز تأسیس و استقلال آن ۱۵ اوت ۱۹۴۷ میلادی میباشد. ملت و دولت پاكستان بنظر احترام و علاقه خاص با ایران مینگرند و خود را وارث تمدن گذشته ایران میدانند. در پایان سال ۱۳۲۸ از شاهنشاه ایران دعوت کردند که پاكستان تشریف برده منابع طبیعی و صنایع و تاسیسات جدید آنها را ملاحظه فرمایند و ایشان روز چهارشنبه ۱۰ اسفند از طهران پرواز کردند و ساعت سه و پانزده دقیقه بعد از ظهر بوقت آنجا وارد فرودگاه کراچی شدند. آقای علی نصر سفیر کبیر ایران خیر مقدم عرض و جناب آقای خواجه ناظم الدین فرمانروای کسل پاكستان را پیشگاه همایون معرفی کردند. آقای فرمانروا آقای لیاقت علی خان نخست وزیر پاكستان را معرفی کردند. سپس اعلیحضرت همایون همراهان از جمله آقای علی اصغر حکمت و دکتر عیسی صدیق را معرفی فرمودند. آقای فرمانروا گفتند «اعلیحضرت افتخار دارم که ورود اعلیحضرت همایون شاهنشاه را در نخستین سفر بسر زمین پاكستان تبریک میگویم. پاكستان مظهر علاقمندی مسلمانان این قاره با آزادی و علامت پیروزی مشترک ملل اسلامی است. پاكستان از بندو پیدایش خود سعی داشته است که بهترین روابط دوستانه را میان کشور های اسلامی ایجاد نماید تا در اثر تشریک مساعی نه تنها موفق گردند که رفاه ملت های خویش را تأمین نمایند بلکه در مجامع بین الملل نیز کلام نافذی داشته باشند. ایران که قرنها با ملت آن نزدیکترین روابط اجتماعی و فرهنگی و هم کیشی را داشته ایم زودتر از هر کشور دیگر این پیشنهاد ما را با نظر مساعد تلقی نمود. مردم پاكستان نسبت برادران ایرانی خود علاقه و محبت بسیار دارند و برای احساسات دوستانه و حسن تفاهم مشترك که ملت ایران در هر موقع نسبت با آنها



شاهنشاه

فرمانروای کل

نخست وزیر

ابراز داشته اند ارزش بسیار قائل میباشند .  
 خیر مسافرت اعلیحضرت همایون شاهنشاه پیاکستان قلوب تمام پیاکستانیان رامسرور  
 ساخته است . یقین داشته باشید در هر نقطه که موکب ملو کانه بآنجا مطابق برنامه تشریف  
 فرما شوند بهترین احساسات همگانی نثار مقدم مبارک خواهد بود . امید وارم که اقامت  
 اعلیحضرت همایون شاهنشاه در پیاکستان همه جا با خوشی و مسرت توأم و این مسافرت ملو کانه  
 موجب تقویت و تشدید روابط دوستانه ایکه بین دو کشور موجود است بوده باشد .

اعلیحضرت در پاسخ فرمودند : « جناب آقای حکمران کل :

از همان تاریخی که پیاکستان آزاد و مستقل قدم در جگره کشورهای اسلامی جهان گذارد  
 آرزوی قلبی من این بود که این کشور بزرگ را که علاوه بر هم کیشی و همجواری علائق  
 بیشماری آنرا اختصاصا به کشور باستانی مربوط ساخته از نزدیک مشاهده و دست فائدین  
 توانا و بانیان استقلال آنرا بفشارم . خوشوقتم که امروز با ورود به پایتخت زیبای کشور شما



آرزوی دیرینم بمرحله عمل میرسد .

من دعوت دولت پاکستان را از صمیم قلب قبول کرده و با شما آمده‌ام تا با حضور خود در میان شما ترجمان بهترین احساسات صمیمانه ملت ایران نسبت به برادران پاکستانی خود بوده باشم .

جناب آقای حکمران کل: اجازه بدهید از تبریکاتی که بمناسبت ورود من به پاکستان فرمودید تشکرات خود را بیان نمایم .

پس از ملاحظه گارد احترام بطرف شهر حرکت کردند و در کاخ دولتی منزل فرمودند عصر آنروز نخست وزیر پاکستان را بحضور پذیرفتند و شب در ضیافت مجللی که آقای فرمانروا ترتیب داده بودند تشریف بردند . بزرگان و رجال پاکستانی و خارجی مقیم کراچی در آن ضیافت حاضر بودند . آقای فرمانروا سر میز شام احساسات بی آرایش مردم آنجا را در این مصراع بیان کردند « ای آمدنت باعث آبادی ما » و اشاره بهمکاری اقتصادی میان دو کشور نمودند . اعلیحضرت همایون در پاسخ از ایشان و احساسات مسلمانان پاکستان تشکر و علائق و سوابق معنوی دو کشور را بیان و فرمودند: رجاء و اتق داریم که اتحاد و اتفاق دو کشور در راه تحکیم صلح جهانی و فراهم نمودن وسائل آسایش مردم ما در آینده عامل مؤثری باشد تا ملت‌های ما بتوانند با امنیت و فراغت در بهبود اوضاع اقتصادی خود که بآن اشاره فرمودید و بمشهی درجه محتاج بآن میباشند کوشش کنند. ایران در این راه از هر گونه همراهی و مساعدت بپاکستان خود داری نخواهد کرد»

بامداد روز پنجشنبه ۱۶ اسفند با اتفاق خواجه ناظم الدین بآرامگاه مرحوم محمدعلی جناح « قائد اعظم » تشریف بردند و دسته گلی بر مزار آن مرحوم نهادند . پس از آن لشکریان پاکستان در پیشگاه همایون رژه رفتند و نیز بانوان پاکستانی که تعلیمات نظامی فرا گرفته اند و بنام « کارد ملی » خوانده میشوند از جلو ایشان گذشتند و ایشان خوشنودی خود را از پیشرفت بانوان در امور اجتماعی و نظامی بزبان انگلیسی بیان فرمودند .

روز جمعه از طرف نخست وزیر و نیز از طرف آقای خلیق الزمان بنمایندگی مردم پایتخت پذیرائی بعمل آمد و شب آقای شیخ محمددین فرمانروای استان سند و همکار صمیمی مرحوم محمد علی جناح و رئیس دانشمندان انجمن ادبی ایران و پاکستان از اعلیحضرت همایون و همراهان پذیرائی کردند و سر میز شام گفتند:

اعلیحضرتا :

اجازه میخواهم از طرف کارکنان و اعضای انجمن فرهنگی ایران و پاکستان از اینکه اعلیحضرت همایون شاهنشاه با قبول این سمت بر ما منت گذارده اند مراتب تشکرات خود را تقدیم دارم. در ادوار پیشین سلاطین دیگر ایران نیز این سرزمین را دیدن نموده‌اند ولی بعنوان دیگر . در تاریخ دو کشور این تنها موقعی است که شهریار ایران که سابقاً هم در ادوار محنت و سختی این ملت با اظهار علاقه خود محبت قلبی ما را بسوی خویش جلب نموده نوید دوستی و خیر خواهی و مودت را همراه شخص شخیص خود بکشور ما می آورد .

همه میدانند که مسلمین پاکستان صنایع و فرهنگ و تمدن خود را اصولاً از ایران اقتباس نموده اند. تماس ما با زبان فارسی از قرن یازدهم یعنی هنگامیکه سلطان محمود غزنوی مشهور امپراطوری خود را در قلب ایالت پنجاب مستقر نموده بود آغاز میگردد. کلیه فاتحین اسلامی که پس از وی آمدند نیز فارسی زبان بودند و بالنتیجه تا اواسط قرن نوزدهم که انگلیسها بالاخره سلطنت مغول را منقرض نمودند زبان فارسی همه جا حکمفرما بود. زبان فارسی چنان رواجی یافته بود که آنرا بعنوان زبان ادبی خود پذیرفتیم و علمای ما طی قرون مزبور آثار جاودانی در جمیع مواضع آن زبان تألیف کردند و از خود باقی گذاشتند. ملت پاکستان هنوز از آثار جهانی مشهور فردوسی و سعدی و حافظ و خیام و جامی و عطار و رومی و غیر هم الهام میگیرد. اسامی آنها در خانه های ما مانوس است و کتب جاویدان ایشان ندماء دائمی ما است.

در سنوات اخیر علامه شهیر اقبال شاعر ملی ما که رویای او در باره پاکستان در اثر مجاهدات عظیمه قاعد اعظم بوجود آمد شاگرد بزرگ ملای رومی بود. اقبال در اواسط دوران فعالیت ادبی خود زبان فارسی را بعنوان تنها وسیله انتقال و اشاعه افکار عالی خود انتخاب نمود و این امر بهترین شاهد عشق و احترامی است که ما بزبان فارسی داریم. ما با دانستن زبان فارسی آشنائی کامل با آثار نویسندگان بزرگ و شعرا و فلاسفه ایران حاصل نموده ایم. فرهنگ ایران چنان زیبا و جذاب بود که ما با کمال میل آنرا جانشین تمدن قدیم هند ساختیم. اهالی پاکستان چنان قرابتی با مردم ایران حس میکنند که حاضر نیستند ایرانیانرا بچشم بیگانه و خارجی نگاه کنند.

بلافاصله پس از پیدایش پاکستان حکومت مرکزی در صدد ایجاد روابط فرهنگی با کلیه کشورهای مجاور خود برآمد. کشور ایران در این صف طبعاً در مقام اول بود. بدین ترتیب انجمن فرهنگی ایران و پاکستان بوجود آمد و حاکم سند بعنوان رئیس افتخاری آن انتخاب شد. تنها هدف این انجمن بسط و توسعه روابط برادری با ملت ایران میباشد و ما تصمیم داریم بوسیله مبادله معلم و محصل و ایجاد تسهیلات لازم جهت تحصیل زبان فارسی جدید و تشکیل دادن مجامع برای آشنائی مردم با ادبیات جدید و تاریخ معاصر ایران و همچنین بوسیله اعزام هیئتهای فرهنگی واجتماعی باین هدف نائل گردیم.

علاوه بر این در نظر است انجمن السنه خارجی تاسیس گردد که ضمناً عهده دار تدریس تاریخ سیاسی و ادبی ایران باشد و نیز پیشرفتهای اقتصادی و اوضاع جغرافیائی آن را هم تدریس نماید و همچنین در نظر داریم موزه هائی که در آن بتوان آثار نقاشی و نسخ خطی نادر و آثار باستانی و سایر اشیاء تاریخی قابل توجه ایران را در معرض نمایش گذارد دائر نماییم.

این انجمن را حضرت فرمانروای کل پاکستان که طی نطق خود مراتب نزدیکی مذهبی و اخلاقی دولت را تا کیداً بیان داشتند افتتاح کردند. امیدواریم بفضل الهی رشته های مودت که پاکستان و ایران را بهم مربوط میسازد در اثر مسانرت اعیان حضرت همایون شاهنشاه

بیش از پیش مستحکم گردد و ارتباط قدیمی دو کشور که با خاطرات نزدیکی فعلی با هم توأم گردیده روابط موجود برادرانه دو ملت را برای همیشه مستقر بدارد.

زنده و جاوید باد پاکستان . زنده و جاوید باد ایران

اعلیحضرت همایون فرمودند : جناب آقای حکمران. برای من موجب بسی خوشوقتی است که در انجمن فرهنگی ایران و پاکستان حضور پیدا کرده ام .

اظهاراتی که راجع به نفوذ فرهنگ و ادبیات و صنایع ایران در پاکستان و همچنین آشنائی که مردم پاکستان در موقعی که سلطان محمود غزنوی در قرن یازدهم میلادی امپراطوری خود را در قلب پنجاب استقرار داد با زبان فارسی پیدا کرده اند فرمودید در من تأثیر عمیق نمود . من آغاز روابط فرهنگی و آشنائی مردم دو کشور را بزبان و ادبیات یکدیگر خیلی قدیمی تر از آن میدانم. صدها سال قبل از حمله اسکندر باین کشور روابط فیما بین دو قوم ومات برقرارو تأثیری که تمدن و فرهنگ این دو کشور در یکدیگر داشته اند بخوبی محسوس ومشهود است قدیمترین آثاری از تمدن بشری که در ویرانه های مهنجودارو در دره سند کشف شد بخوبی نشان داد که چگونه ساکنین آن ناحیه در اصل و ریشه با ساکنین دره کارون دارای وحدت و یگانگی بوده اند. این یکی از اولین ارتباطات فرهنگی دو ملت باستانی است و برای من موجب نهایت مسرت است که این ارتباط بین کشور ایران و سر زمین شما واقع بوده است . هم اکنون در هیچ نقطه ایران هیچ کتابخانه نمی نیست که در آن مجلدات بسیاری از کتب فارسی که در اقلیم شما بچاپ رسیده و از آنجا به کشور من ارمغان فرستاده شده موجود نباشد .

گذشته از ارتباطات فرهنگی شکی نیست که عوالم همکیشی و وحدت عقاید نیز موجب نزدیکی بسیار بین دو ملت برادر گردیده و کلمه واحده اسلام راهنمای این دو قوم و ملت شده است . ادب و فرهنگ اسلامی در نزد دو ملت متساویا محترم و مقدس شمرده میشود . چه بسا ملوک و فرمانداران مسلمان که در انقلابات زمانه از کشور شما بیمین من میپمان آمده اند و در خانه خود پذیرفته شده اند نام مردم سند و پنجاب در ایران همواره با محبت و احترام برده میشود و همه آنها را برادران خود خطاب میکنند .

پس روی این روابط فرهنگی و علائق باستانی که قرنهای بین دو کشور موجود بوده جای تعجب نیست که من در پاکستان همه جا خود را در خانه خود حس کرده و هیچ کجاس بیگانگی ننموده باشم . چه بسیار با شخصیت های آشنائی پیدا کردم که نسبت به کشور من و فرهنگ و صنایع آن معرفت آنها کامل بود و چه بسا به ابنیه و عماراتی رفتم که دارای همان سبک و رویه معماری ایران بود .

انجمن روابط فرهنگی که جناب عالی ریاست افتخاری آنرا قبول فرموده اید وظیفه دارد که این نزدیکی و ارتباط را که سنک اصلی آنرا نیاکان ما قرنهای پیش گذارده اند حفظ نموده و تحکیم نماید. ایران و مؤسسات فرهنگی آن در راه این نزدیکی از هیچگونه همکاری و تشریک مساعی خود داری نخواهند کرد .

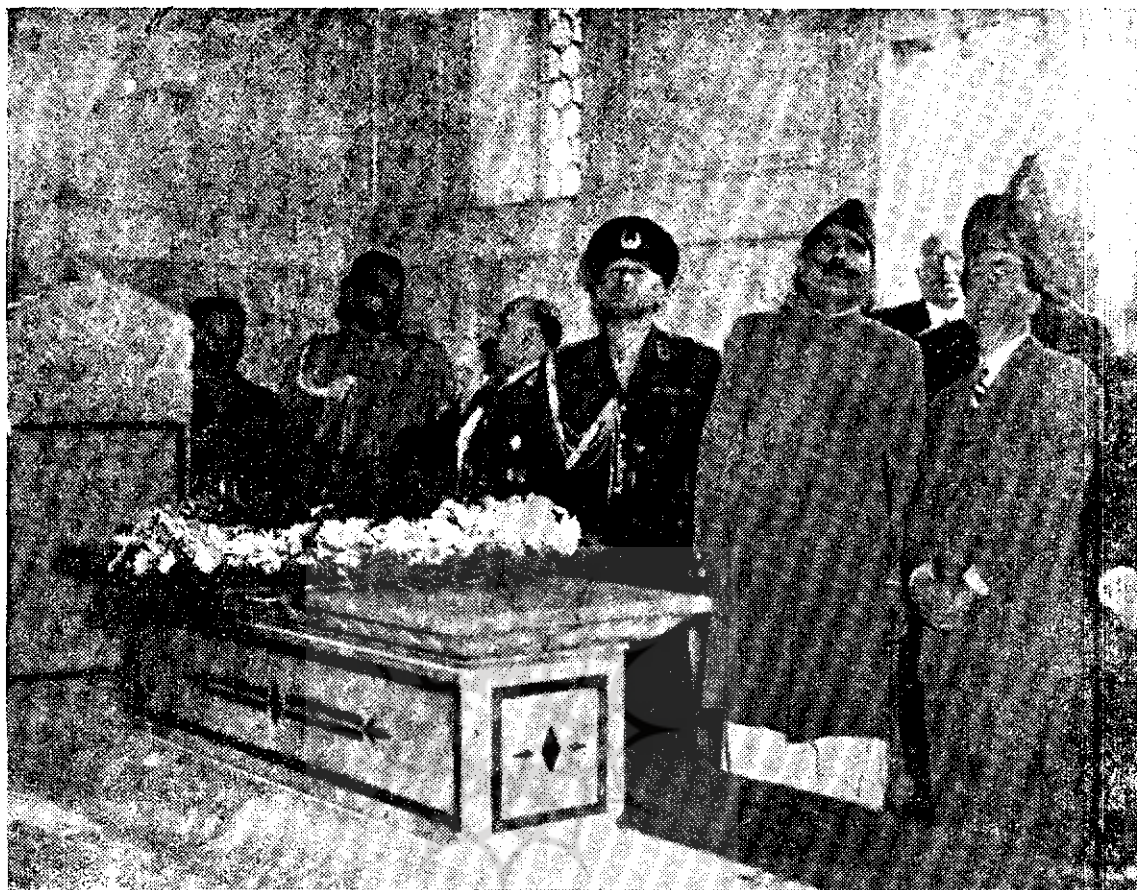
جناب آقای حکمران امشب در ضمن بیان خودتان اسامی بسیاری از شعرای ایرانی را فرمودید که مورد احترام و علاقه مردم پاکستان است. من کلام خود را باین شعر شاعر شهیر پاکستانی مرحوم علامه اقبال ختم مینمایم که او نیز در نزد ما ایرانیان محترم است.

اهل حق را حجت و دعوی یکیست  
 خیمه های ما جدا دلها یکیست  
 وحدت افکار و کردار آفرین  
 تما شوی اندر جهان صاحب نگین

روز چهارم اقامت خود در کراچی اعلیحضرت همایون شاهنشاه در کاخ دولتی از آقای فرمانروای کل و نخست وزیر و دیگر رجال پاکستان و محترم‌ان مقیم پایتخت بشام پذیرائی فرمودند

روز یکشنبه ۱۴ اسفند باتفاق خواجه ناظم الدین بشهر دکا مرکز پاکستان خاوری تشریف بردند. حکمران آنجا احساسات مردم آنسرزمین را نسبت بشاهنشاه و مردم بران بیان کردند و اعلیحضرت همایون سپاسگزاری فرمودند و پس از چند روز توقف و بازدید نقاط تاریخی و مراکز صنعتی و شکار بئر در جنگلهای بتگاله از بندر تاریخی چیتاگانگ بلاهور پرواز کردند.

لاهور شهر ۱۳۰۰ ساله و مرکز علمی و فرهنگی پاکستان است. لاهور بمال ۳۶۷ هجری بدست سبکتکین افتاد و در ۳۷۸ پایتخت امپراطوری غزنوی گردید. در زمان پادشاهان گورکانی باوج عظمت رسید و ابوالفضل وزیر دانشمند اکبرشاه آنرا مأوای بزرگان عالم خواند. آثار تاریخی آن از صنعت معماری ایرانی حکایت میکنند. مسجد شاهی در بنا های یادگار اوزبک گورکانی است که گنجایش یکصد هزار نمازگزار دارد و در جهان بی نظیر است. در همین ساختمان زیبا آرامگاه مرحوم اقبال شاعر ملی پاکستان قرار دارد. آقای علی اصغر حکمت در انجمن روابط فرهنگی ایران و پاکستان گفتند که دانشگاه طهران تصمیم گرفته است یک کرسی برای زبان و ادبیات « اردو » برقرار سازد. رئیس دانشگاه لاهور در باغ زیبا و معروف « شالیمار » از شاهنشاه پذیرائی کرد و مقام افتخاری دکترای حقوق تقدیم نمود و اعلیحضرت فرمودند « دانشگاه لاهور در نظر ما مقام ارجمندی مانند دانشگاه طهران دارد » روز ۱۹ اسفند آرامگاه مرحوم محمد اقبال شاعر نامی پاکستان را واقع در مسجد پادشاهی دیدن فرمودند. یک دوره از آثار آن مرحوم که بیشتر بزبان فارسی سروده شده است و چاپ و جلد آنها نمونه هنرمندی خوشنویسان و ناشران پاکستان است پیشگاه همایون تقدیم شد. سپس بشهر تاریخی پیشاور سرحد افغانستان پرواز کردند و لشکریان را دیدن و سران ایلات و عشایر سرحدی را ملاقات فرمودند. سلطان محمود قبل از حملات خود بهند در پیشاور اقامت میگزید و لشکریان نادرنیز از همین دره بهند رفتند. پس از مسافرت بکوئته مرکز بلوچستان و شهرهای مهم دیگر پنجاب بکراچی بازگشتند و سر بزرگ و معروف « سکر » را مشاهده فرمودند. روز ۲۳ اسفند بمجلس مؤسسان تشریف بردند آقای تمیز الدین خان رئیس مجلس احترامات بجای آوردند و شاهنشاه فرمودند « هما نظور که پایه های حکومت پاکستان بر روی آمال و آرزوی ملت پاکستان مستقر شده است ملت



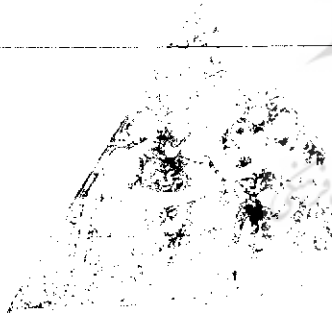
آرامگاه اقبال . سردار عبدالرب فرمانروای پنجاب و ادیب نامی متخلص به نیشتر  
در پیشگاه شاهنشاه

ایران نیز با تحمل مشقات و زحمات جنگ گذشته در راه ترقی و تعالی خود گام بر میدارد .  
حوادث جنگ بکشور ایران ضربات بسیار شدیدی وارد آورد لیکن با تحمل مشقات این  
پنجساله پس از جنگ ما توانستیم بر موانع و مشکلات بسیار زیاد غالب آمده در رفع نواقص  
بکوشیم . ایران صمیمانه کوشیده است در این جهان پر آشوب با همه اقوام و خصوصاً همسایگان  
روابط صمیمانه ئی بر قرار نماید و از این شیوه پسندیده بسیار مفتخر است . اگر اختلافاتی  
ما با دیگران پیدا کرده ایم بهترین راه را مذاکرات مستقیم و با توسل بسازمان ملل متفق  
تشخیص داده ایم . احترام بسازمان ملل متحد پایه سیاست ما است و کمال امید واری داریم  
که این یگانه مرکز صاحب جهانی بتواند به بقاء صلح جهان کمک کند . حفظ صلح در خاورمیانه  
یگانه وظیفه روسای کشورهای آن است و سزاوار است منتهای کوشش را در این راه ابراز  
دارند .

آقایان اعضای مجلس مؤسسان بخوبی میدانید که مردم جهان دچار شده اند بسیار شده اند و اختلافات موجود میان ملل نیز ظاهراً بعلمت انحطاط اوضاع اقتصادی و فقر مادی است . مخصوصاً دول بزرگ باید دست مساعدت بسوی دول کوچک دراز کنند و از طوف دیگر هم دولتپا سعی نمایند عدالت اجتماعی را مستقر سازند و با استثماریک طبقه خاص از طبقات دیگر مبارزه نمایند و مساواتی را که دین مبین اسلام پیش بینی نموده و احکام دین اسلام را که روی اصل تساوی قرار گرفته و هیچ مزیتی را جز فضیلت و تقوی برای کسی قائل نیست تمیم دهند و با این ترتیب مسلماً قدرت ملی آنها زیاد خواهد شد و روزگاری پیش خواهد آمد که ملل مسلمان روزگار را بخوشی سر آورده نقش تاریخی خود را ایفا نمایند .

من بملت پاکستان تبریک میگویم و مساعی جمیله ای را که برای تنظیم امور اداری و بسط ارتش و رفاه عمومی نموده است صمیمانه تبریک میگویم و عقیده دارم که در نتیجه استقامت توفیق کامل در راه اجرای نقشه های اصلاحی حاصل خواهند نمود .

عصر آنروز «گاردن پارٹی» بافتخار اعلیحضرت همایون در کاخ فرمانروائی برپا گردید و شب را سفارت شاهنشاهی بشام پذیرائی کرد و روز ۲۵ اسفند اعلیحضرت همایون با میزبانان ارجمند و با محبت خود وداع فرموده بطرف تهران پرواز کردند . در مدت اقامت پانزده روزه اعلیحضرت در پاکستان غربی و شرقی مردم همواره احساسات بی آلاش و ارادت خالصانه نسبت بشاهنشاه و ملت و زبان ایران ابراز داشتند و پیامهای بسیار شرو نظم بفراسی و انگلیسی وارد و برض رساندند و نشانها و هدایای گوناگون تقدیم کردند .



پیری

در جوانی بخوش میگویم که علم انسانی و مطالعات  
شیراگر پیر هم شود شیر است  
چون به پیری رسیده می بینم  
شیراگر شیر هم بود پیر است  
سنائی

قدخم کند و چهره زریری پیری  
درهم شکند دولت شیری پیری  
گفتم که بتر کدام پیری یا مرک  
پیر خردم گفت که پیری پیری

چون پیر شدی کار جوان نتوان کرد  
پیری است نه کافری نهان نتوان کرد